

اشعیا فصل 42 آیه 1 تا 4

خدا میگوید: این است خدمتگزار من که او را تقویت میکنم. این است برگزیده من که از او خوشنودم. او را از روح پر می‌سازم تا عدالت و انصاف را برای مردم جهان به ارمغان آورد. او آرام است و در کوچه‌ها فریاد نخواهد کرد و کسی صدایش را نخواهد شنید. نی خرد شده را نخواهد شکست و شعله ضعیف شده را خاموش نخواهد کرد. او عدل و انصاف واقعی را اجرا خواهد کرد. دل‌سردو نامید نخواهد شد و عدالت واقعی را بر زمین جاری خواهد ساخت. مردم سرزمین‌های دور دست منتظرند تعالیم او را بشنوند.

در سال 2000 دانشمندان یک منبع عظیم زغال سنگ و گاز را در مغولستان کشف کردند. در زمان خیلی کوتاه نقشه یک شهر در مکان این معدن را مهندسان طراحی کردند، درست مثل چین. این کار فقط در طرح ختم نشد بلکه آن‌ها شروع به ساختن این شهر کردند. هر چیزی که تمام امکانات یک شهر از جمله: پارک‌های ورزشی، سینما، تاتر، برج‌های بلند،... برای این شهر در نظر گرفته شده بود. فقط یک اشتباهی این وسط رخ داد در این شهر به نام کانگ باشی آن‌ها فکر ادمها را نکرده بودند. در این شهر بزرگ کسی نیست، امروز خیلی‌ها کنار این ساختمان‌های مرتفع ولو می‌شوند و به رؤیای بزرگ اقتصادی که با شکست مواجه شده می‌نگرند که قرار بود رؤیای الپ را به همراه داشته باشد. داستان اینطور بود چون آن‌ها مهم‌ترین چیزی که به یک شهر متعلق هست را فراموش کردند و آن جمعیتی هست که باید در آن ساکن باشد. از این دست اشتباهات را ما میتوانیم بارها و بارها بشنویم. ادمها فکر می‌کنند که همه کارها را به بهترین نحو برنامه‌ریزی کردند و بعد آن‌ها بنیادی‌ترین چیزها را در زندگی فراموش می‌کنند. بعد همه چیز از بین می‌رود مثل یک خانه‌ای که با کارتون درست شده باشد، افکار آن‌ها آسیب‌پذیر است. برنامه تو برای سال 2014 چطور به نظر می‌آید؟ تو هم فکرش را کردی که چی مهم است؟ ممکن هست برای تو اینطور پیش بیاد که تو در این برنامه ریزیت چیز مهمی را فراموش کرده باشی و تمام تلاش‌ها و کارها در مسیر غلط و بی‌فایده باشد؟ عیسی همیشه در این باره تذکر داده است. برای مثال یک تاجر غلات را در نظر بگیرید که انبارش پر است. آن مرد تصمیم می‌گیرد انبارش را بزرگتر کند و کارگران بیشتری را استخدام کند تا در پایان این چرخه‌گذاری و تجارتش بتواند سود بیشتری کرده و راضی باشد. اما او یک مسأله مهم را فراموش کرده و آن هم خداست. و این داستانی است که همیشه پیش می‌آید. او این را فراموش کرد که خدا روح او را به خانه صدا کرد و به او یک پیشنهاد داد، برای او یک قربانی بزرگ را فراهم آورد و یک معبد بزرگ ساخت تا اینکه انسان‌ها خدا را در برنامه خود جا بدهند. بجز این تمام کارها و تلاش‌ها بی‌هدف و بی‌معنی هست. ولی در برابر این مثال خدا باز هم دست به کار شد. خدا به روشنی تذکر داده تا انسان‌ها از این بیشتر به این راه خطا نروند. او راهی را بدور از خطاهای انسانی نشان داده است. او این را در زمان افسسیان نشان داده است. پس افسسیان به معنی این است که خدا خودش را نشان داد! بعد از تاریکی که به واسطه ی خطاهای انسانی پیش آمد، خدا آمد تا نور را همراه بیاورد و نشان دهد که دقیقاً این به چه معناست که خدا بروی این جهان آمد. این را به ما هم نشان می‌دهد که چی از همه مهم‌تر است. این متن اول موعظه که از اشعیا است این را توضیح

می‌دهد در فصل 42 آیه 1 تا 4. این است خدمتگزار من که از او خوشنودم. وقتی که عیسی توسط یحیی تعمید دهنده تافن می‌شود، این صدا از جانب خداست که درست همان کلام اشعیا را بیان می‌کند

عهد جدید: این است پسر محبوب من که از او خوشنودم، در این باره که خدا خودش را در عیسی ظاهر کرده است، او دویلهو حرف نزده است بلکه کاملاً مستقیم این را بیان کرده است. از طریق عیسی ما خدا را میشناسیم. او از همه چیز مهمتر است. بدون او ما به هیچ وجه قادر نیستیم که چیزی بدست بیاوریم. از کلام اشعیا هنوز این ادامه پیدا می‌کند که چطور عیسی خود اوست. اینطور می‌شود گفت که بنابراین هیچ سوئی تفاهمی پیش نیاید: عیسی برای همه بی دین‌ها اینجا خواهد بود

او با صدای بلند صحبت نخواهد کرد
او نی‌های تاشده را نخواهد شکست

اولین چیزی که عیسی به ما نشان می‌دهد این است که او برای همه ما انسان‌ها اینجا است. قدیم اصلاً اینطور تصور نمیشد، اسرائیلی‌ها فکر می‌کردند که آن‌ها فقط قوم برگزیده خدا هستند. ولی عیسی می‌خواهد که تمام قوم‌ها متعلق به خدا باشند. او نمی‌خواست که یک ملت بر ملت دیگر تسلط داشته باشند انطور که محمد انجام داد. و او مانند اسلام هیچ برنامه سیاسی را دنبال نکرد. نه عیسی یک مطالبه کاملاً متفاوتی داشت. پادشاهی او برای این دنیا نیست. هدف او هم این دنیا نیست. او هدفش این نیست که بر مردم تسلط پیدا کند بلکه می‌خواهد تا گناهان را ببخشد و بتواند مردم به پادشاهی خداوند اجازه ورود بگیرند. برای عید پنجاه همه اینجا بودید! تمام اقوام این جهان. همه باید به او متعلق شوند. اما شاگردان عیسی باز هم دوباره با این سؤال در جنگ بودند که، این پادشاهی بالاخره به چه کسی تعلق دارد و به چه کسی تعلق ندارد؟ ما تا الان هم داریم این را یاد می‌گیریم که، وقتی که ما قوانین خدا را تغییر می‌دهیم و مرز بندی جدید می‌کنیم در این قوانین به راه خطا می‌رویم. این را ما از تجربه‌های خود یاد می‌گیریم که خدا فقط برای من و خانواده من و اجتماع من نیست بلکه برای همه ادما با زبان‌های مختلف و ملیت‌های مختلف است که از نظر فرهنگی شاید کاملاً با هم متفاوت باشیم با هم. در این زمان ما می‌توانیم در جشن و پایکوبی باشیم چرا که مسیحیان در دسته‌های مختلف در سرتاسر جهان پراکنده اند. یک نشانه از مسیحیت این است که انجیل فراتر از مرز بندی‌های فرهنگی و قومیتی می‌باشد. ما این را در اجتماع خودمان یاد می‌گیریم که، افراد با فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر اینجا میان و مثل ما تافن می‌شوند و مثل ما از پیاله مسیح می‌نوشند و با کلام یکسان تافن می‌شوند و مثل ما از جسم مسیح بهره مند می‌شوند! آن‌ها همه به یک پیکر مسیح متعلق اند! کجا خداوند انسان‌ها را از هم صدایی جدا کرده است؟ دومین مشخصه این است که خدا با صدای بلند صدا نکرد. او کاملاً نامرئی به واقعیت ما پا می‌گذارد. همیشه ما ادما باید این را در نظر بگیریم که خدا چیز دیگری می‌خواهد، و خواست انسانی ما با آن فرق دارد. دانایانی که دنبال عیسی آمده بودند، در کاخ هیروودوس به دنبال او می‌گشتند تا اینکه ستاره راهنما آن‌ها را به گهواره کودک راهنمایی کرد. ما می‌خواهیم همه چیز را خوب و با دلایل قانع کننده بفهمیم یا اینکه انتظار معجزه یا یک نشانه از خدا داریم تا به حرف هامان مشروعیت قانونی بدهیم و بتوانیم یک جنجال درست کنیم، ولی او به صورت دیگری می‌آید، او به آرامی قدم به این دنیا می‌گذارد. او بدنبال فریاد و جنجال نیست. بلکه او با

اهسته ترین نوا میاید. او دنبال ادمهای قوی نمی گردد تا با صدای بلند آماده جنگ شوند. او دنبال این نیست که به مردم نشان دهد تا کجا مردم می‌توانند به یک نظم جدید جهانی برسند. نه او به آرامی میاید تا خادمینش در راه محبت او به آرامی راه پیدا کنند. در دل بدبختی این دنیا او دنبال بچه هایش می‌گردد تا به آنها آرامش قلبی و بخشش گناهان را هدیه دهد. او امید را در زمانی های اضطراری هدیه می دهد. ایمان را هم وقتی که همه چیز مطابق وعده هایش است. این‌ها نشانه‌های خدای حقیقی ماست. این هاست که در استدلال های منطقی محبت خدا باقی میماند. این‌ها را ما از کریسمس و با داستانها یاد می‌گیریم که چطور با عیسی تا ابد ادامه داشته باشیم. و در آخر هم این مسأله که ، همه چیز نباید از ابتدا معلوم و فوراً قابل فهم باشد سومین و آخرین مشخصه اینکه عیسی به سمت ما آمد و فاسدان را از بین نبرد و همچنین نی های خمیده را نشکست. آدم به یاد ادمهایی می‌افتد که این روزها با غم و عذاب وجدان دارند زندگی می کنند. و همیشه هم احساسی مشابه دارند. ولی چی میشه اگر آن‌ها در صورت خدا رودررو بنگرند یا چی پیش میاد اگر ما اندکی به دادگاه او فکر کنیم؟ پس طبیعتاً یک ترسی به جان ما می‌افتد که ، ما گناهکاریم و نمی‌توانیم به سوی او برویم.... کجا این امید به رهایی را که مثل یک تار مو نازک است باید متصل کرد، آن نور و گرما کجا یافت می‌شود ، این خادم کجا است تا ما به سمت این نابودی بی نهایت سوق داده نشویم. ولی نه ، او ما را به سوی نجات و کمک و امید جدید سوق خواهد داد. در این بیت که می‌گوید او نی های خمیده را نمی‌شکند ، او پادشاه بنی اسرائیل است. از قوم اسرائیل کسی شاکی هست که چرا پادشاه به این چیزها فکر کرده است. او کسی است که به اینجا پا نگذاشته تا چراغ هایی که رو به خاموشی می‌روند را خاموش کند و نی ها را بشکند. این چراغ ها و نی های خمیده در واقع انسانهای خطا کار هستند که خدا آن‌ها را نابود نمی کند. و این قسمت حیرت انگیز این است که ما انسان‌ها برای خدا در هر صورت گناهکاریم. و حیرت انگیز این است که خدا حق این را دارد تا شمع ما را خاموش کند و این نی خمیده را بشکند ... ولی او به هیچ وجه این کار را انجام نمی دهد. خدا اجازه نمی‌دهد که این شعله نیمه جان خاموش شود و نمی‌گذارد این انسانهای ضعیف که مثل نی های خمیده هستند بشکنند. او می‌گذارد آن‌ها با تمام اعمال خراب و حساب‌های ناپاکشان ادامه حیات دهند. عیسی مسیح اجازه این حیات را می‌دهد. مثل آن زن گناهکاری که قرار بود سنگسار شود و او گناهان او را بخشید. یا آن دزدی که کنار عیسی روی صلیب بود و امیدی نداشت ، اجازه پیدا کرد تا این کلام اعجاب انگیز عیسی را بشنود: امروز تو با من در بهشت خواهی بود! همچنین کلامی را من هم می‌خواهم که بشنوم. این کلام را من می‌خواهم برای وجدان خودم که به واسطه ی گناهان مجروح شده دوباره بگویم. هیچ استثنایی وجود ندارد. خدا می‌خواهد که تو را نجات دهد. امین